

## زورخانه و منابع هویت‌یابی آن

سینا امینی‌زاده<sup>۱</sup> و دکتر داریوش بوستانی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۹۳/۹/۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۴

### چکیده:

در این پژوهش، هدف بررسی کیفی ورزش زورخانه با رویکرد امپیک و تفسیری است. ۱۵ نفر از باستانی‌کاران زورخانه‌های شهر کرمان در این تحقیق مشارکت نمودند. روش‌شناسی کیفی نظریه‌ی زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است که ۴ مقوله بدست داد. این مقولات عبارتند از: ادوات زورخانه، هنر و معماری، اشعار و مناسک و شخصیت‌ها، به طور کلی تحلیل یافته‌ها نشان داد: ورزش زورخانه تأثیر زیادی بر شکل‌گیری هویت پهلوانی دارد. در واقع هویت پهلوانی ساخته و پرداخته‌ی آداب و رسوم، نوع حرکات ورزش و نحوه‌ی اجرای حرکات به وسیله‌ی ابزار زورخانه که توأمان با اشعاری حماسی و مذهبی است. در واقع ادوات زورخانه، نوع اشعاری که قرائت می‌شود، معماری سنتی و وجود شخصیت‌های حماسی و مذهبی چه کهن و معاصر همانند پوریای ولی یا تختی مکمل یکدیگر هستند. این فرایند باعث افزایش تأثیر زورخانه بر شکل‌گیری هویت می‌شود و به شکل‌گیری هویتی واحد تحت عنوان هویت پهلوانی می‌انجامد.

**مفاهیم کلیدی:** هویت پهلوانی، زورخانه، ادوات زورخانه، معماری، مناسک، شخصیت‌ها

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

sinaaminizadeh@yahoo.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان و رئیس گروه پژوهشی جامعه‌شناختی مطالعات

شهری - روستایی (نویسنده‌ی مسؤل) dboostani@uk.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

هویت پهلوانی و جوانمردی از گذشته در میان ایرانیان وجود داشته است، که منشأ آن را باید در آیین مهر جست‌وجو کرد. در زمان اشکانیان روحیه‌ی پهلوانی در میان عیاران گسترش پیدا کرد. در زمان اسلام با گسترش تصوف شاهد تلفیق خانقاه و زورخانه هستیم. در واقع پهلوان باید دارای ویژگی‌هایی باشد. هشت ویژگی برای کسی که بعنوان پهلوان شناخته می‌شود وجود دارد: « اول زورمندی، یعنی دارا بودن قدرت بدنی؛ دوم هنرمندی، به معنای چالاکی، مهارت و قدرت؛ سوم نیروی اعتقاد، پهلوان هیچ‌گاه خداوند را از یاد نمی‌برد و همیشه از او یاری می‌طلبد؛ چهارم چاره‌گری و تدبیر است، یعنی علاوه بر زوربازو نیرنگ نیز تا آنجا که دور از اصول جنگ و مردانگی نباشد عیب نیست؛ پنجم علاقه به بزم و شعر، علاوه بر زور بازو و نیرنگ و تدبیر اهل بزم نیز باشد؛ ششم زبان‌آوری، بتواند با حاضر جوابی و زیبایی مطلب را بیان کند؛ هفتم وفاداری به حکومت وقت، این وفاداری باید در وی وجود داشته باشد و در عرصه‌های گوناگون آزمایش شود؛ هشتم جوانمردی و افتادگی است، که اصل مرام پهلوانی است» (اربابی، ۱۳۹۰: ۴۳). اگر چه صفات پهلوانی در طول تاریخ دچار تغییراتی شده است، اما همچنان محور اصلی آن را جوانمردی و افتادگی تشکیل می‌دهد. ورزش برای ایرانیان باستان، ورزشی جنگی و میدانی بوده است. در واقع ورزش‌ها راهی برای رسیدن کمال پهلوانی و دلآوری بوده است (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۴۹). در نظر ایرانیان باستان ورزش پهلوانی اساسی‌ترین کار روزانه، ضروری‌ترین کار هر فرد و شایسته‌ترین عامل سربلندی و سرافرازی جوانان بوده است. نیرومندی افتخار به بار می‌آورد و کسی که از پیکاری خونین بر می‌گردد مورد افتخار و استقبال است (نوری و طاهری ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۳۷). ایرانیان علاقه‌ی زیادی به روحیه‌ی پهلوانی، رادمردی و جوانمردی دارند. به نوعی در جست‌وجوی کسب هویتی مطابق با این ویژگی‌ها هستند. علاقه به رادمردی و پهلوانی را می‌توان حتی در لغات گوناگون پارسی در این رابطه دید. مانند: قهرمان، گرد، گو، دلاور، جوانمرد، آزاد، آزادمرد، رادمرد، هژبر، اردشیر، نامبردار، نیو، نیوزاد، بهادر، آریا، پهلوی، شیرمرد، شیرگرد و ... و بسیاری از لغات دیگر دال بر این مدعاست (میرئی، ۱۳۴۹: ۱۵). امروزه در ورزش باستانی پهلوان با ویژگی ذکر شده کمتر مد نظر است. یعنی زور و قدرت بر سلوک پهلوانی غلبه دارد، به همین دلیل بین اسامی پهلوانی، پهلوان‌باشی، پهلوان زورگر تفاوت فاحشی وجود دارد. پهلوان فردی است که بالاترین درجه را در زورخانه دارد کسی که تمام مراحل زورخانه را طی کرده است. در فنون کشتی به درجه‌ی استادی رسیده است؛ اما در پهلوان‌باشی (ی) نسبت است و به معنای کسی که سرپرست پهلوانان است. پهلوان زورگر به معنای کسی که معرکه‌گیر است، میله خم می‌کند و زنجیر پاره می‌کند (نیکوبخت، ۱۳۸۰). روش باستانی‌کاری در آموزش آنهاست،

در افراد منشأ احساسات و کردار نیک گردیده است؛ و آنها را در هر کاری به سمت شاهره ترقی رهنمون شده است؛ و آنها را مهبای کاری می‌ساخته که افراد در آتیه به آسانی می‌توانستند منشأ خدمات شایانی شده و وظایف خود را در قبال وطن و ملت خود انجام دهند (نوری و طاهری، ۱۳۸۳). باستانی‌کاری از سه جنبه‌ی ملی، مذهبی و پهلوانی می‌تواند بر فرایند هویت‌یابی افراد تأثیر بگذارد. اثر ورزش باستانی آنقدر عمیق است که در زمان کمی در میان افرادی که به سمت این ورزش می‌روند قابل مشاهده است. با توجه به اینکه کشور ما در یک سه راهی هویتی قرار دارد. جدا از غرض و تعصب این سه جریان عبارتند از: ۱- کسانی که رنگ غیر ایرانی را قبول ندارند؛ ۲- کسانی که مظاهر غیر اسلامی را قبول ندارند؛ ۳- کسانی که غرب و فرهنگ غرب را برتر می‌دانند (محبتی، ۱۳۸۳). هر سه جریان یاد شده هواخواهانی دارند و بر راستی گفتار خود دلایلی ارائه می‌دهند. بنظر می‌رسد زورخانه مثلی است که ۳ ضلع جریان هویتی ایران را بهم متصل کرده است. یعنی حس ناسیونالیستی و ملی‌گرایی که پیروان آن به ایران می‌بالند؛ همچنین حس مذهبی و گرایش به اسلام و گرایش به اصول عام بشری را در خود گنجانده است. علاوه بر این زورخانه نیز ارتباطی با سیاست برقرار می‌کند زیرا از آنجا که یکی از ویژگی‌های پهلوان نیرنگ و تدبیر در عین حال حامی حکومت وقت بودن است.

زورخانه محل تقویت روحیه‌ی ملی‌گرایی در حد اعلاء است اشعار حماسی و ملی که از فردوسی خوانده می‌شود همراه با نوای دل‌انگیز مرشد تأثیری عمیق بر روحیه‌ی ملی‌گرایی در افراد حاضر در زورخانه می‌گذارد. از سویی وجود انواع ذکرهای مذهبی و اشعار معنوی به نوعی تقویت‌کننده‌ی هویت مذهبی است. انجام حرکات ورزشی به صورت حرفه‌ای همچنین بین‌المللی شدن این ورزش موجب شده است افکار ایرانی و اسلامی در جهان گسترش پیدا کند. از سویی تکیه‌ی این ورزش بر اصول بشری موجب علاقه به این ورزش در خارج از مرزها شده است تا جایی که فدراسیون این ورزش نیز در بعضی کشورهای اروپایی تأسیس شده است. از سویی وجود اشعاری که ریشه در مذهب و ملی‌گرایی دارند همانند اشعار فردوسی، هویت پهلوانی را در باستانی کار تقویت می‌کنند. این‌ها زنجیره‌ای از عناصری است که بدون آن زورخانه‌ای وجود ندارد. این عناصر از چند بعد معنوی، اعتقادی و فعالیت بدنی هویت فرد را همواره تحت تأثیر قرار می‌دهند. روح، جسم در فرایند باستانی‌کاری همزمان متأثر هستند. مطالعات مقدماتی نشان داد تحقیقات در خوری در زمینه‌ی نقش کلیدی این نهاد اجتماعی در جریان هویت‌یابی انجام نشده است. از تحقیقات انجام شده هیچکدام از روش کیفی نظریه‌ی زمینه‌ای استفاده نکرده و خلاء پژوهشی در این زمینه احساس می‌شود. در این راستا مسئله‌ی اصلی پژوهش این است منابع هویتی پهلوانان در زورخانه کدامند و چگونه تفسیر و معنا می‌شوند؟

## ادبیات پژوهش

گودرزی (۱۳۸۴) و عسکری نوری (۱۳۸۸)، به شکل‌گیری زورخانه در طول تاریخ در قالب یک نهاد سیاسی و اجتماعی توجّه کرده‌اند؛ همچنین تاریخچه و آداب این ورزش و وجود ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی را علاوه بر فعالیت‌های جسمانی توصیف نموده‌اند. کاشف (۱۳۸۰)، به مقایسه‌ی بین ارزش‌های اخلاقی ورزش المپیک و ورزش ایران باستان پرداخته است. وی ریشه‌ی عواملی را که موجب رفتار اخلاقی و غیر اخلاقی در ورزش‌ها می‌شود را بررسی نموده است؛ و اینکه چگونه ورزش باستانی و اندیشه‌ی پهلوانی از ورزش ایران وارد ورزش جهانی بخصوص آلمان و انگلیس شده است. کیانی (۲۰۱۱)، هم به توصیف خود زورخانه پرداخته است و ریشه‌ی تاریخی آن را بررسی نموده است. علاوه بر آن مبنای فلسفی، مذهبی زورخانه را مورد تأکید قرار داده؛ و به توصیف شرایط زورخانه از گذشته تاکنون پرداخته است. کرام (۱۹۴۹)، در یک کار پژوهشی به توصیف زورخانه و رسوم موجود در زورخانه پرداخته است. در واقع این ورزش را دارای حالتی نمایشی می‌داند و آن را با تئاتر مقایسه می‌کند سیر تاریخی این ورزش را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و تغییرات آن تاکنون را مورد توجه قرار می‌دهد. ریچارد (۲۰۰۲)، نیز تاریخ این ورزش همچنین ریشه‌های اجتماعی آن را مورد بررسی قرار داده است؛ همچنین خود زورخانه و ویژگی افرادی که در آن قرار دارند را بررسی نموده است. روند تغییرات زورخانه محور بررسی وی بوده است. امینی و دیگران (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان طراحی فضا و مکان در نمایش‌های سنتی و مذهبی ایران به بررسی مکان‌های سنتی می‌پردازند. وی همچنین به بررسی مکان‌های باستانی می‌پردازند و شباهت و تفاوت این مکان‌ها را بیان می‌کنند. پیمانفر و دیگران (۱۳۹۱)، در تحقیق خود به بررسی عوامل اثرگذار بر هوش معنوی باستانی‌کاران، همچنین بر تأثیر محیط زورخانه بر هوش معنوی باستانی‌کاران پرداختند. چهار مؤلفه‌ی تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی و توسعه حالت آگاهی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند با تقویت یکی از این ابعاد سایر ابعاد هم تأثیر می‌پذیرند. به نوعی سطح روانی و معنوی یکدیگر را تقویت می‌کنند. یزدی (۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۲۱)، در یک کار پژوهشی، فتوت، شجاعت، پهلوانی، قهرمانی و ورزش را در عصر صفوی بررسی نموده و به نقش فتیان، پهلوان، قهرمان و به عبارتی ورزشکاران تأکید کرده است؛ همچنین رابطه‌ی متقابل میان سیاست و باستانی‌کاری دوره‌ی صفوی را مورد توجه قرار داده است؛ نتیجه اینکه زمانی حکومت‌داران عهد صفوی ورزش را مورد توجه قرار داده‌اند ورزش رو به صعود بوده و زمانی مورد بی‌مهری واقع شده رو به نزول بوده است. امیرتاش و علی محمدی (۲۰۰۸)، نیز در پژوهشی زورخانه را توصیف می‌کنند و به بررسی ریشه‌های تاریخی آن می‌پردازند؛

همچنین جایگاه زورخانه را در میان مردم ایران بررسی می‌کنند. باستانی‌کاری را بر اساس ۳ ویژگی قدرت، فیزیک و مهارت توضیح می‌دهند. اهداف عمده‌ای که مد نظر می‌باشد: اول معرفی زورخانه، دوم بررسی زمینه‌ی زورخانه، سوم آرایه‌ی دانش پایه برای ورزش باستانی که تا حدودی در پژوهش محقق گشته است.

ردجین (۲۰۰۷)، در پژوهش ابتدا خود زورخانه را توصیف می‌کند؛ و ویژگی‌های زورخانه را معرفی می‌کند. تغییرات سلوک پهلوانی از گذشته تا به امروز را توضیح می‌دهد. وی همچنین ورزش باستانی را در کشمکش سنت و مدرنیته مورد بررسی قرار می‌دهد که چگونه زورخانه تحت تأثیر قرار گرفته است و در عصر مدرنیته ارزش‌های سنتی آن رو به افول گراییده. عروج‌نیا (۱۳۹۱: ۴۳-۱۹)، به بررسی آیین پهلوانی پرداخته است. تصوف و آیین جوانمردی و چگونگی شکل‌گیری این آیین در گذشته و تأثیرپذیری آن از اسلام را بررسی نموده است. به نوعی به معرفی آیین تصوف با توجه به خلیقات ابولحسن خرقانی پرداخته است.

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف تحقیق شناخت و تفسیر منابع هویتی زورخانه است؛ لذا از روش‌شناسی کیفی و روش نظریه‌ی زمینه‌ای برای انجام تحقیق استفاده شده است. در واقع محقق نظریه‌ی زمینه‌ای به دنبال خلق نظریه‌ی در بررسی و مطالعه‌ی کسانی است که در فرایند کنش یا تعامل مشابه‌ای درگیرند آنچه در نظریه‌سازی اتفاق می‌افتد نوعی استنتاج و انتزاع از یک فرایند معین و خاص است که مورد توجه‌ی محقق قرار می‌گیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

### مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

مشارکت‌کنندگان این تحقیق را ۱۵ نفر از باستانی‌کاران شهر کرمان تشکیل داده‌اند. این مشارکت‌کنندگان به چند دلیل انتخاب شده‌اند: آنها اطلاعات کافی در این زمینه داشتند، تعدادی از آنها دارای سوابق قهرمانی جهان، کشور و آسیا بودند؛ همچنین ناحیه‌ی کرمان در ورزش زورخانه یکی از قطب‌های کشور می‌باشد.

برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در انتخاب مشارکت‌کنندگان از دو راهبرد نمونه‌گیری هدفمند یعنی حداکثر تنوع و گلوله برفی استفاده می‌شود. ۱- حداکثر تنوع یعنی انتخاب مواردی اندک اما با بیشترین تنوع، تا بدین‌وسیله دامنه‌ی نوسانات و تفاوت در میدان آشکار شود؛ ۲- نمونه‌گیری گلوله برفی که در این شیوه از مشارکت‌کنندگان پرسیده می‌شود که مشارکت‌کننده‌ی بعدی که

پیرامون مقوله یا مفهوم مدنظر اطلاع دارد چه کسی است (فلیک، ۱۳۸۷). بر حسب نمونه‌گیری بر اساس حداکثر تنوع مشارکت‌کنندگان از تنوع زیادی برخوردارند آنها از زورخانه‌های گوناگون انتخاب شده‌اند؛ همچنین از قهرمان کشور، قهرمان جهان، قهرمان آسیا و سنین پایین همچنین افراد مسن نمونه‌گیری به عمل آمده است.

### ابزار گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

پژوهش حاضر از روش نظریه‌ی زمینه‌ای که یکی از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است جهت تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نظریه‌ی زمینه‌ای در سال ۱۹۶۷ توسط گلیرز و اشتراوس با انتشار کتاب کشف نظریه‌ی زمینه‌ای به جامعه‌ی علمی معرفی شد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت (ایمان، ۱۳۹۱). معمولاً محقق کیفی در این روش اقدام به مصاحبه‌هایی در حدود بیست الی شصت دقیقه در هر مصاحبه، در میدان تحقیق می‌نماید. ملاقات‌ها، چندین بار تا به اشباع رسیدن مقوله‌ها و دسته‌بندی‌های اطلاعاتی انجام شود. یک مقوله بیان‌کننده‌ی واحدی از اطلاعات است که متشکل از رویدادهای اتفاقات و موارد نمونه‌اند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). محقق همچنین باید به جمع‌آوری و تحلیل مشاهدات و اسناد در میدان بپردازد که غالباً این‌گونه اطلاعات مورد استفاده‌ی کمتر قرار می‌گیرند (کرسول، ۲۰۰۷: ۶۴). جمع‌آوری و تحلیل در یک فرایند زیگزاگی رفت و برگشت انجام می‌شود. اطلاعات در میدان تحقیق جمع‌آوری می‌شوند و در خارج از میدان تحلیل می‌شوند؛ محقق برای جمع‌آوری بیشتر اطلاعات، مجدداً به میدان باز می‌گردد. برای تحلیل عمیق‌تر، مجدداً خارج می‌شود و این فرایند ادامه می‌یابد. رجوع محقق به مشارکت‌کنندگان در قالب نظری انجام می‌شود که نمونه‌گیری نظری نامیده می‌شود (ایمان، ۱۳۹۱). پاتن به سه رویکرد مصاحبه‌ی کیفی و عمیق اشاره می‌کند؛ رویکردهای پاتن عبارتند از ۱- مصاحبه‌ی گفتمانی غیر رسمی<sup>۱</sup>؛ ۲- رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه<sup>۲</sup> و ۳- مصاحبه‌ی باز استاندارد<sup>۳</sup> (پاتن، ۱۹۸۷: ۱۱۰). در مصاحبه ابتدا بصورت غیر رسمی با مشارکت‌کننده کار شروع می‌شود تا فضای حاکم از حالت رسمی خارج شود و مشارکت در بیان جزئیات احساس راحتی بیشتری کند. در ادامه، انجام مصاحبه به صورت عمیق جریان می‌یابد تا به عمق موضوع اشاره شود؛ در مصاحبه مشارکت آزاد است و قدرت مانور زیادی دارد.

در روش‌شناسی نظریه‌ای زمینه‌ای سه روش کدگذاری وجود دارد: ۱- کدگذاری باز؛ ۲- کدگذاری محوری و ۳- کدگذاری گزینشی. محقق در تدوین نظریه‌ی زمینه‌ای، با

<sup>۱</sup> informal conversation interview

<sup>۲</sup> general interview guid

<sup>۳</sup> standardized open – ended interview

کدگذاری باز شروع می‌کند. کدگذاری باز به دنبال آن است که داده‌ها و پدیده‌ها را در قالب مفاهیم عرضه نماید. عبارت‌ها یا گزاره‌ها بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند، تا مفاهیم به آنها الصاق شوند (اشتروس کوربین، ۱۹۹۵). در واقع کدگذاری محوری فرایند مرتبط کردن مقوله‌های فرعی به مقوله‌های اصلی‌تر را شامل می‌شود. این عمل شامل فرایند پیچیده‌ی تفکر استقرایی و قیاسی است که طی چند مرحله انجام می‌گیرد. این فرایند شبیه به کدگذاری باز از طریق انجام مقایسه و طرح پرسش انجام می‌شود (کوربین، ۱۹۹۰). کدگذاری گزینشی که سومین مرحله‌ی کدگذاری است کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد؛ در این مرحله شکل‌گیری و پیوند هر دسته‌بندی با سایر گروه‌ها تشریح می‌شود (فلیک، ۱۳۸۷). در این مرحله که بسیار حساس است محقق باید کاملاً با داده‌ها ارتباط برقرار کند.

### قابلیت اعتماد

برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد (معدل اعتبار و روایی در تحقیقات کمی است) از سه تکنیک متعارف و بسیار مرسوم استفاده به عمل آمده است:

اول: بررسی توسط اعضا یا همان تکنیک ساختار گذاری؛ که از مشارکت‌کنندگان خواسته شد یافته‌ها را بررسی و تأیید کنند یعنی بتوانند خود در این یافته‌ها بازشناسی کنند؛ دوم: مقایسه‌ی تحلیل یعنی به داده‌های خام رجوع شد و مقایسه یا ساخت‌بندی نظریه صورت گرفت؛ سوم: استفاده از تکنیک ممیزی که چند متخصص بر روند کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشتند؛ و فرایند و نتایج تحقیق را تأیید کردند.

### یافته‌ها

در تحقیق انجام شده سؤال اصلی این بود: منابع هویت‌یابی زورخانه چیست؟ که از طریق نمونه‌گیری نظری و کدگذاری باز به چهار مقوله رسیدیم. عبارتند از: ادوات زورخانه، هنر و معماری، اشعار و مناسک و شخصیت‌ها. در زیر مقولات یاد شده مطرح گردیده و پس از توصیف شواهد لازم نیز ارایه می‌شود.

### ادوات زورخانه

ادوات زورخانه مانند میل، کباده، سنگ و حرکاتی مانند چرخ زدن برگرفته از ابزار و تکنیک‌های مبارزه در جنگ می‌باشد. در واقع میل نماد همان گرز، کباده نماد کمان، سنگ نماد سپر و چرخ به معنای توانایی حفظ تعادل در جنگ است. بین استفاده از این ابزار ورزشی و احساس قدرت رابطه وجود دارد؛ زیرا این ابزار به گونه‌ای طراحی شده است

که موجب افزایش قوای بدنی می‌شود و زمانی که همراه با ذکرهای مذهبی و اشعار حماسی شود موجب تقویت حس معنوی و قرابت با الگوهای حماسی و مذهبی در باستانی کار می‌شود. مرشد از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «تمام ابزار این ورزش چون از ادوات جنگ بوده اول از همه احساس قدرت می‌کنیم این ورزش ملی ماست، ورزش مادری ماست زمانی که کباده می‌زنم یاد آرش کمانگیر می‌افتم».

از جمله تفاوت‌های ابزار این ورزش با سایر ورزش‌های دیگر در ایجاد روحیه‌ی فروتنی و افتادگی است. از آنجا که حرکات ورزش باستانی با ذکرهای مذهبی، حماسی و ملی همراه است به نوعی مانع از حس غرور بلکه موجب رشد روحیه‌ی جوانمردی، افتادگی و هویت پهلوانی می‌شود. حجت از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید: «من خودم باشگاه بدنسازی می‌رفتم. دیدم وقتی افراد وزنه می‌زدند درونشان حس غرور است؛ اما توی زورخانه حس همچین چیزی ندارم. یعنی درون ورزش باستانی غرور کم‌تره؛ نه اینکه نیست. این حرکات چون با مذهب و اشعار حماسی در آمیخته‌اند به نوعی موجب روحیه‌ی فروتنی می‌شود».

بنظر می‌رسد طراحی این ابزار ورزشی در هماهنگی با ادوات جنگی در گذشته و توأمان بودن حرکات ورزشی با اشعار مذهبی و حماسی به دو منظور پرورش روحی و جسمی انجام گرفته است. برخی از مشارکت‌کنندگان، استفاده از ادوات زورخانه را نه برای مبارزه‌ی بیرونی بلکه برای مبارزه با خواست‌های درونی تفسیر می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «در زمان ورزش احساس می‌کنی کمان و گرز دست گرفتی و آمدی مبارزه کنی؛ اما نه مبارزه با افراد بلکه مبارزه با نفس. باید اینجا نفس خودت رو بکشی». پهلوان و پهلوانی در یک مجموعه ورزش‌های خاص دیده می‌شود و به افراد موفق در سایر ورزش‌ها اطلاق نمی‌شود؛ برای مثال در فوتبال لقب‌هایی چون بهترین یا فنی‌ترین بازیکن داده می‌شود. اما در ورزش باستانی لقب برجسته، پهلوان است؛ و به پهلوان بازوبند پهلوانی می‌دهند. در واقع هویت پهلوانی متعلق به ورزش باستانی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید: «شما هیچ‌وقت یک فوتبالیست را صدا نمی‌کنید پهلوان و به استاد کاراته هم نمی‌گویند پهلوان سلام اما به کشتی‌گیر و باستانی‌کار می‌گویند و این هم علتش چیزی نیست جز همین حرکاتی که در ورزش باستانی وجود دارد. نگاه هم کنی می‌بینی در این ورزش‌ها بیشتر حرف از حماسی بودن و مذهب است». ابزار این ورزش و ضرب مرشد و اشعاری که می‌خواند، اجزا جدا نشدنی هستند. در واقع طراحی این دو از لحاظ ساخت فیزیکی ابزار ورزشی و همچنین موسیقی زنده که مرشد ارایه می‌کند با هم هماهنگ هستند. همین امر موجب می‌شود تأثیر ورزش باستانی عمیق‌تر شود. احسان می‌گوید: «زمانی میل می‌گیریم و مرشد ضرب می‌زند علاوه بر آن زیبایی

که دارد از نظر روحی و معنوی هم خیلی فرق می‌کند تا اینکه در باشگاه بدنسازی پرس سینه بزنی؛ بین حرکات و ضرب مرشد رابطه‌ی روحی است». بنظر می‌رسد پرورش جسم در این ورزش در راستای پرورش روحی و درونی قرار دارد. در واقع هدف از پرورش و ورزیدگی بدنی در اهداف درونی نهفته است. یکی از مشارکت‌کنندگان معتقد است: «من به این نیت میل می‌زنم که اگر یک روزی خودت را قوی کنی بتوانی دست یک ناتوانی را بگیری بتوانی از ناموس یکی دفاع کنی مگر اینکه برای گردن کلفتی باشه اصلاً می‌خواهم هیچ بازویی قوی نشه».

## هنر و معماری

مکانی که ورزش باستانی در آن انجام می‌شود در طراحی از الگویی پیروی می‌کند که مناسب هویت پهلوانی و روحیه‌ی مذهبی است. گود زورخانه پایین‌تر از جایگاه مهمانان است. همین به نوعی برافتادگی باستانی کار تأکید دارد، که بیان می‌کند جایگاه من از شما مهمانان پایین‌تر است؛ همچنین در ورودی زورخانه کوتاه است. بطوری که هنگام ورود فرد باید خم شود و حالت تعظیم پیدا کند. این حالت نمادی از احترام و افتادگی است. احسان می‌گوید: «این گود یعنی خودت را کوچک‌تر از سایرین نشان‌دهی و سردم (در ورودی) کوتاه نیز یعنی با قامت شکسته وارد بشوی و دست به سینه بیایی و خم شوی» تکرار این حرکات موجب می‌شود باستانی‌کار به این حرکات عادت کند. در بیرون زورخانه نیز این رفتار تداوم یابد. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «این‌ها همه در رفتار فرد مؤثر است. وقتی میری بیرون از زورخانه مهربان‌تر و آرام‌تر هستی و حتی رفتار روزمره‌ات نیز تحت تأثیر مرام زورخانه است». شکل گود برگرفته از شکل هندسی شش و هشت ضلعی است که به نیابت از قبر ۶ گوشه‌ی امام حسین (ع) و نیابت از امام رضا (ع) است. به نوعی می‌توان پیوند این ورزش را با مذهب مشاهده کرد. مرشد می‌گوید: «این گود را که می‌روید داخل شش یا هشت ضلع است بخاطر قبر امام حسین (ع) یا به نیابت از امام رضا (ع) است زورخانه مثل مسجد گنبدم دارد».

هنر و زیباشناسی در زورخانه هم با حرکات و هم در ابزار ادوات و ساختمان زورخانه عجین شده است. هنرها مثل خواندن شعر، خوشنویسی، نواختن ضرب، انواع حرکت‌های ورزشی زیبا و موزون و شکل ساختمان زورخانه می‌باشد. در واقع هنری که در زورخانه جاری است هماهنگ با روحیات باستانی‌کاری است. به گونه‌ای ورزش باستانی و هنر موجود در آن مکمل هم هستند. حتی هنرمند و معماری که به طراحی جلوه‌های هنری در زورخانه می‌پردازد خود نیز ارتباط عمیقی با این ورزش دارد. علی می‌گوید: «اینجا محل پرورش استعداد است. چه در حرکات ورزشی چه در حرکات شیرین‌کاری و موزون

خود انجام این کار هنر است». مرشد در این باره می‌گوید: «این ورزش تمام آن هنر است. هنر مرشدی، هنر انجام حرکات، خود ساختمان و سقف اینجا گنبدی شکل است؛ این‌ها هنر است؛ شعر و ادبیاتی که مرشد می‌خواند خودش هنر است». مجید: «این سنگ‌ها را که می‌بینی اینجا نقش‌هایی روی این‌ها کشیده شده. یک آقایی است بنام سید علی که هم مرشد و هم ورزشکار. آدم می‌باید یک رابطه‌ی خاصی داشته باشد با زورخانه تا بتواند ذکر و نقوش را روی این سنگ‌ها ساختمان بیاورد یعنی باید اینکاره باشی، باستانی‌کار باشی که بتوانی انجام بدی، آدم باید پاک باشد تا بتواند توی زورخانه کار هنری کند». مشارکت‌کننده‌ی دیگری در این باره می‌گوید: «این ذکرهایی که می‌بینی روی در و دیوار است با خط نستعلیق است این خوشنویسی هم یک هنری است توی زورخانه».

### اشعار و مناسک

در زورخانه اشعار رنگ و بوی حماسی و مذهبی دارند. اشعار مذهبی بیشتر با حال و هوای روحی انسان سروکار دارد. از آنجا که این اشعار در مورد ائمه (ع) است حالتی معنوی بر فضای زورخانه ایجاد می‌کند. چنین شرایطی منجر به تقویت هویت مذهبی باستانی‌کاران می‌شود. احسان می‌گوید: «این اشعار مذهبی که می‌بینی آخه ما که شیعه هستیم تحت تأثیر قرار می‌گیریم و یاد گود قتلگاه (مکان بریدن سر امام حسین (ع)) می‌افتیم. این اشعار موجب علاقه‌مندی ما به اشعار هم می‌شود». حمید در مورد اشعار مذهبی می‌گوید: «این اشعار که خوانده می‌شود. کلاً یک حالت معنوی بهت دست می‌دهد. مثلاً بردن ذکر امام حسین (ع) حالتی مثل حالت روضه دارد. افراد بدون استثناء گریه می‌کنند. چون این اشعار با احساس مذهبی سروکار دارند».

اشعار حماسی نیز در زورخانه موجب ایجاد و تقویت ملی‌گرایی می‌شود. این اشعار حماسی تأثیر فوق‌العاده‌ای در افراد بر جای می‌گذارد که محدود به سن خاصی نمی‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «اشعار حماسی مثل شاهنامه، وجدآور، شما انرژی می‌گیرید. شما مثلاً یک پیرمرد باستانی‌کار را در خیابان ببینید؛ همین‌طور با انرژی راه می‌رود». حجت معتقد است اشعار حماسی، باعث تقویت حس وطن‌پرستی و غرور ملی می‌شود: «شعر حماسی بعد غرور و آن افتخار و بالیدن را در شما زنده می‌کند غرور در مورد میهن‌پرستی، این غرور با آن غرور منفی فرق دارد». مرشد نیز معتقد است: «اشعار حماسی دلاورانه است اکثراً حماسی هستند؛ باعث می‌شود روحیه‌ی افراد تأثیر بپذیرد و بیرون‌گود و زورخانه هم همین رفتار را داشته باشد».

آداب و رسوم زورخانه به افراد افتادگی، نظم، احترام، ایثار، ادب و بخشندگی را آموزش می‌دهد. رفتارها و کنش‌های معمولی در زورخانه است که با تکرار و تمرین در

افراد نهادینه می‌شود. این تأثیرگذاری آن قدر عمیق است که به رفتار باستانی کار در بیرون از زورخانه و میان مردم شکل می‌دهد. به طوری که باستانی کار الگوی رفتاری پهلوانی را در جامعه در میان مردم به کار می‌بندد. برای مثال آدابی از قبیل رخصت گرفتن، لنگ انداختن، زانو زدن و دعا کردن از جمله مواردی است که در زورخانه رایج است. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «در اینجا رخصت گرفتن رعایت ادب است؛ گرفتن اجازه است. همین یک جورایی فرد را افتاده می‌کند. در واقع احترام به بزرگ‌ترها این یک‌جورایی توی روحیه‌ی فرد اثر می‌گذارد. پنجاه درصد افرادی که ادبی را که اینجا یاد می‌گیرند توی جامعه میان مردم رعایت می‌کنند. زورخانه رفتار درست را به افراد آموزش می‌دهد.» احسان هم به مناسک زورخانه و تأثیرگذاری آن بر شخصیت و هویت افراد سخن می‌گوید: «زورخانه نظم احترام یادت می‌دهد بخشنده‌گی یادت می‌دهد. مثلاً جشن گلریزان یادت می‌دهد یک تیکه نان هم داشتی تنها نخوری این‌هاست که توی اخلاق و رفتارت جا باز می‌کند؛ همین زانو می‌زنند یعنی من کوچک‌ترم دارم اجازه می‌گیرم از شما که بزرگی تا برم ورزش کنم». حجت می‌گوید: «این مرشد می‌بینی نماد ایثاره جای مرشد نرفتی بشینی جلوی این ضربش یک بخاری برقی حرارت بالا است تا پوست گرم شود تا صدا ضرب در بیاد. حالا فرض کن ماه رمضان یا تابستان. مرشدهای واقعی همشون دیسک کمر دارن چون بدنه‌ی ضرب از سفاله، سنگیه و فشار میاره حتی مشکل کلیه هم دارن. جوانمردی و ایثار یعنی این؛ دارد با جون خودش بازی می‌کنه بقیه ورزش باستانی کنند.»

### شخصیت‌ها

شخصیت‌ها در ورزش باستانی نقش برجسته‌ای در فرایند هویت‌یابی باستانی کاران می‌آفرینند. همذات‌پنداری باستانی کاران با نمادهای پهلوانی و الگوهای تاریخی همزمان با تمرین روزانه انجام می‌گیرد؛ شخصیت‌های پرنفوذ باستانی کاری عبارتند از: حضرت علی (ع) پوریای ولی، تختی و یعقوب لیث. در رده‌های بعدی پیشکسوت‌ها و بانیان زورخانه قرار دارند که بعنوان یک مدل نقش برای جوانان عمل می‌کنند. «در ورزش باستانی ایرانیان الگوهای زیادی دارند از گذشته تاکنون در جوانمردی: ابراهیم، حضرت یوسف فرزند یعقوب، امام علی (ع)، یعقوب لیث از عیاران قرن ۹، پوریا ولی از کشتی‌گیران سنتی، ستارخان و تختی» (پورگیو، ۲۰۰۵: ۱۱۹).

زرین کوب نیز اشاره می‌کند «علی (ع) رأس مراتب فتوت است و او را شاه مردان می‌خوانند و این به این دلیل بوده او اولین کسی بوده است که با موالی (ایرانیان تازه مسلمان شده) که در آن زمان از طبقه‌ی پیشه‌وران بودند احساس همدردی و همدلی می‌کرده است» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۳۴۸). زورخانه کاران دارای الگوهای زیادی هستند این

الگوها در پهلوانی و ورزش سرآمد هستند اما بنظر می‌رسد که آنها بیشتر ارادت به علی (ع) دارند و او را سردمدار می‌دانند، حتی سایر الگوها را پیرو خط او می‌دانند. مرشد معتقد است: « ورزشکاران بزرگی چون تختی، پوریا ولی، راه علی رو میرن، همه سعی می‌کنن راه علی رو برن». مشارکت‌کننده‌ی دیگری می‌گوید: « در این ورزش، باستانی‌کارها علی (ع) را الگوی خودشان قرار می‌دهند و از او الگو می‌گیرند ». الگو بودن پیشکسوت‌ها در ورزش باستانی مهم است؛ زیرا آنها الگوی جوانان در زورخانه هستند. از طرف دیگر جوانان در جامعه الگو هستند. اگر جوانان از پیشکسوت تأثیر مناسب بپذیرند موجب تقویت روحیه‌ی پهلوانی در جامعه می‌شوند. در واقع این الگوپذیری از زورخانه در بعد اخلاقی و تأثیری که بروی افراد و جامعه می‌گذارد از لحاظ اخلاقی و هویتی قابل ملاحظه است، زیرا باستانی‌کاران معتقدند اول خویشتن را باید اصلاح کرد، مبارزه‌ی اصلی مبارزه با نفس است بعد از اصلاح خود تلاش در جهت خوب بودن دیگران داشته باشیم. مرشد نقل می‌کند: «اینجا پیشکسوت باید مراعات کند جوانان باید ازش الگو بگیرن، الگو بودن برای یک زورخانه‌ای واجب است. باستانی‌کار مرید حضرت علی (ع) است؛ ورزشکار باستانی باید الگوی دیگران باشد و ما باید الگو بگیریم برای کسب آن منش پهلوانی. الگوگیری لازم است». البته الگوگیری که در زورخانه ضرورت دارد منظور آن پهلوان و جوانمرد است و نه قهرمان. عامر در این زمینه معتقد است: « الان آدم باید از پهلوان الگو بگیره نه از قهرمان».

البته گرایش مردم به سمت این ورزش نسبت به سایر ورزش‌ها کمتر است و یکی از عوامل آن عدم آگاهی با این ورزش و همذات‌پنداری نامناسب به دلیل عدم آشنایی با این ورزش است، برداشت مردم این است که باستانی‌کاری ورزش قدیمی است که لزوماً باعث تقویت قوای بدنی نمی‌شود و قیاس زورخانه با سایر ورزش‌ها نیز از دلایل عدم استقبال مردم از آن است. آنچه از این مقوله استخراج شد این است که یک رابطه‌ی زنجیره‌ای میان الگوپذیری وجود دارد برای مثال علی (ع)، پوریای ولی، تختی و در نهایت پیشکسوتان که حلقه‌ی بی‌واسطه‌ی این فرایند هویت‌یابی هستند، در واقع نقش پیشکسوت، مرشد و بزرگان زورخانه ارائه‌ی مدل‌هایی ایده‌آل پهلوانی است که در بستر زورخانه و به کمک هنر و معماری، اشعار و مناسک مختلف، هویت باستانی‌کاران را شکل می‌دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

بطور کلی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد منابع هویت‌یابی باستانی‌کاری در زورخانه چند گانه است که علاوه بر شخصیت‌ها شامل هنر و معماری، ابزار ادوات زورخانه می‌شود.

انجام ورزش باستانی توأم با ادوات خاص این ورزش است. از محدود ورزش‌هایی است که در آن چند نوع ابزار ورزشی مانند میل، کباده، سنگ و گیره در یک جلسه ورزش انجام می‌شود. طراحی این ادوات به گونه‌ای است که متناسب با مذهب و سنت ایرانی است. باستانی‌کار در هنگام انجام ورزش علاوه بر درک احساس قدرت و نیرومندی از لحاظ روحی و روانی با این ابزار ارتباط برقرار می‌کند. همزمانی انجام حرکات ورزشی و نوای مرشد به تقویت روحیه‌ی پهلوانی و جوانمردی در کنار تقویت بعد جسمانی می‌شود. بنظر می‌رسد طراحی این ابزار هم متناسب با ادوات جنگ است هم بگونه‌ای متناسب حالات معنوی و حماسی است. در واقع تناسب میان آنها موجب تقویت دو بعد روحی و جسمانی است؛ بعنوان مثال دیدگاه یک باستانی‌کار به کباده، متفاوت از یک فرد غیر باستانی‌کار است؛ زیرا ورزشکار باستانی کباده را نماد کمان آرش می‌داند که نوعی احساس غرور بالندگی دارد. وی علاوه بر تقویت قوای جسمانی، با یک چهره‌ی ملی همذات پنداری می‌کند. یا تخته‌شنا را در دست می‌گیرد علاوه بر احساس قدرت یادآور شمشیر ذوالفقار برای او می‌باشد. همان‌طور که گافمن در این‌باره می‌گوید لوازمی تبیینی وجود دارد که مخاطبان انتظار دارند ایفاکننده‌ی نقش با خودش در محیط اجرای نقش همرا داشته باشد. به عقیده‌ی او هویت فرد از قبل ساخته و پرداخته نیست بلکه در جامعه هنگام ایفای نقش شکل می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۹). زورخانه بعنوان مکانی که ورزش باستانی در آن انجام می‌شود به گونه‌ای طراحی شده که مناسب با روحیات پهلوانی می‌باشد. معماری زورخانه ورزشکار را ملزم می‌کند که اصول پهلوانی را رعایت کند؛ برای مثال طراحی سر در ورودی یا گود زورخانه برای فرد یادآور افتادگی و جوانمردی است. در واقع هنر و معماری مورد استفاده در زورخانه ریشه در مذهب، نمادهای ایران باستان و اصول پهلوانی دارد. هنر، زیباشناسی و سنت ورزش باستانی هم در طراحی ادوات و ساختمان هم در انجام حرکات ورزشی حضور جدی دارند؛ همان‌گونه که والتر بنیامین می‌گوید: «بخش عظیمی از توان زیباشناختی اثر هنری سنتی ریشه در جایگاه آن بعنوان آیزه‌ای بی‌همتا و منحصر به فرد است بنیامین از اصطلاح هاله استفاده می‌کند تا به ترکیب اصالت، اقتدار و بی‌همتایی اشاره کند به نظر وی منشأ اصلی این هاله در بستر سنت فرهنگی قرار دارد و ریشه‌ی تاریخی این سنت فرهنگی در مناسک دینی قرار دارد؛ بنابراین قداست هنر ریشه در قداست دین دارد» (بنیامین، ۱۹۷۳:۲۲۵).

همرا با حرکات ورزشی اشعار ملی و مذهبی خوانده می‌شود. اشعار ملی و حماسی در وصف ایران و پهلوانان ایرانی است؛ در حالی که اشعار مذهبی بیشتر احساسات، عواطف دینی و مدح ائمه را شامل می‌شود. اشعار ملی و حماسی بیشتر ریشه در شاهنامه دارد و موجب ایجاد انرژی در باستانی‌کاران می‌شود. اشعار حماسی غرور ملی، حس ناسونالیستی

و انگیزه را در باستانی کار تقویت می‌کند و منجر به برجستگی هویت ملی آنها می‌شود. در واقع ریشه‌ی هر دو نوع اشعار به سنت بر می‌گردد و پیشامدن است. همان‌گونه که بک می‌گوید: «سنت تمایل به گذشته دارد؛ چنانکه گذشته نفوذی بسیار شدید دارد؛ یعنی گذشته ساخته شده است تا نفوذی شدید و عمیق بر حال داشته باشد. در سنت به صورتی آشکار از شیوه‌های مسلم بعنوان راهی برای سازماندهی آینده استفاده می‌شود» (بک، ۱۹۹۴: ۹۲). از آنجایی که هر دو نوع اشعار با احساسات و جنبه‌های عاطفی باستانی کار سر و کار دارند تأثیر عمیقی بر هویت فرد دارند. همان‌گونه که بک معتقد است: «معمولاً سرمایه‌گذاری عاطفی عمیق در سنت وجود دارد. هر چند دین سرمایه‌گذاری غیر مستقیم است. اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم مانند دیگر عملکردهای سنتی، به اخلاق و احساسات تمایل دارند. همان‌طور که به راحتی می‌توانیم زهد مذهبی و کیفیت آن را درک کنیم. سنت‌ها همیشه در حال تغییرند اما شاخه از آنها ثابت می‌مانند، اعتقاد و یا سنت یکپارچگی و تداومی دارد که در برابر تغییر مقاومت می‌کنند» (همان: ۶۹).

آیین و رسوم موجود در زورخانه نیز موجب تقویت روحیه و هویت پهلوانی در فرد می‌شود. مراسمی مانند گلریزان، پابازکردن و از سنت‌های زورخانه محسوب می‌شود. باستانی‌کار با توجه به گذشته و سنت به بازاندیشی هویتی خود می‌پردازد: «در فرهنگ‌های سنتی گذشته مورد احترام است. نمادها ارزش دارند؛ بخاطر اینکه تجربه‌ی نسل‌ها را در بر می‌گیرد. سنت یکی از شیوه‌های بازاندیشی کنش با سازماندهی زمانی و مکانی است. سنت وسیله‌ی برخورد با زمان و مکان است و هر فعالیت یا تجربه‌ی خاص را در رشته‌ی تداوم نیز به نوبه خود با عملکردهای اجتماعی تکرار شونده ساختار می‌گیرد. ساختار یکسره ایستا نیست؛ زیرا برای هر نسل تازه‌ای باید اختراع شود. در تمدن پیش از مدرن بازاندیشی هنوز به اندازه‌ی زیادی محدود به باز تفسیر و توضیح سنت بود. چنانچه در ترازوی زمان کفه‌ی گذشته بسیار سنگین‌تر از کفه‌ی آینده است» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۶). الگوهای و شخصیت‌های مطرح در زورخانه ریشه در ایران باستان و مذهب دارند. کسانی مانند پوریای ولی، علی (ع) و غیره الگوی رفتار پهلوانی و تقویت قوای بدنی در میان باستانی‌کاران هستند یک زنجیره وابستگی هویت‌سازی خلق می‌کند، زنجیره‌های کوتاه و طولانی. نوربرت الیاس در این مورد می‌گوید: «دو نوع زنجیره‌ی وابستگی وجود دارد یکی کوتاه که افراد نسبتاً کمی به آن متکی بوده و از آن تأثیر می‌پذیرند و نوع دوم زنجیره‌ی وابستگی طولانی است که افراد زیادی از آن تأثیر می‌پذیرند؛ در تعریف زنجیره هم می‌گوید: زنجیره روابطی هست که نه تنها شامل آن مردمی است که فرد به آنها وابسته است بلکه شامل وابستگی افراد به آن فرد هم است. زنجیره‌های وابستگی طولانی به این معنا هستند که در صورت ایجاد یک رفتار نامطلوب یا خوب شمار زیادی از افراد که

در مسیر این زنجیره قرار دارند از آن مطلع و تأثیر می‌پذیرند» (ریتزر، ۱۳۸:۲۲۰). در واقع الگوهای باستانی و مذهبی کهن دارای زنجیره‌ی تأثیر طولانی‌تری هستند. بطور کلی این‌گونه می‌شود نتیجه‌گیری کرد که زورخانه نه تنها یک مکان و فعالیت ورزش بلکه یک منبع هویتی است که بخش‌های مختلف آن در هماهنگی با یکدیگر به خلق هویت پهلوانی می‌پردازد هویتی که برای جامعه کارکردهای مختلفی از قبیل حمایت‌گری، دستگیری و انسجام اجتماعی است.

**فهرست منابع:**

- اربابی، علی (۱۳۹۰). آیین پهلوانی جوانمردی و عیاری، تهران: زوار.
- امینی و دیگران (۱۳۹۱). "طراحی فضا و مکان در نمایش‌های سنتی - مذهبی ایران"، نشریه‌ی هنرهای زیبا، هنرهای نمایشی و موسیقی، شماره‌ی ۱۷ دوره‌ی ۱۷.
- امینی، خلیل و آذر، معینی (۱۳۹۱). "طراحی فضا و مکان در نمایش‌های سنتی - مذهبی ایران"، نشریه‌ی هنرهای زیبا، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۱.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۵۳). تاریخ و فرهنگ زورخانه و گروه‌های اجتماعی زورخانه‌رو، تهران: نشر مرکز مردم‌شناسی ایران.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). فلسفه‌ی روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۲). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- پیمانفر و دیگران (۱۳۹۱). "مدل ساختاری عوامل تأثیرگذار بر هوش معنوی ورزشکاران زورخانه"، مطالعات روانشناسی ورزشی، شماره‌ی ۱.
- جلایی‌پور، محمدرضا و محمدی، جمال (۱۳۹۲). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۹). مبانی نظریه‌ی جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه‌ی شهناز مسماپرست، تهران.
- عروج‌نیا، پروانه (۱۳۸۳). "ابوالحسن خرقانی و آیین جوانمردی"، مجله‌ی تاریخ و تمدن اسلامی، شماره‌ی ۱۶.
- فیلک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قنبری نیاکانی، عباس (۱۳۶۷). تربیت بدنی از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، تهران: کمیته‌ی انتشارات.
- کاشف، مجید (۱۳۸۳). "اخلاق بازی‌های المپیک و مقایسه‌ی آن با ورزش در ایران باستان"، مجله‌ی المپیک، شماره‌ی ۳ و ۴.
- کربن، هانری (۲۰۰۴). آیین جوانمردی، ترجمه‌ی احسان نراقی، تهران: نشر سخن.
- گودرزی، محمود (۱۳۸۳). "سیر تطور ورزش باستانی و زورخانه‌ای در ایران"، مجله‌ی حرکت، شماره‌ی ۲۲.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیته، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- محبتی، مهدی (۱۳۸۳). شاهنامه و بحران هویت در ایران، تهران، نشر پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- میرئی، حسن (۱۳۴۹). آینه پهلوان‌نما، تهران: نشر میهن.
- نجمی، ناصر (۲۰۰۳). تهران قدیم، تهران: نشر جان‌زاده.
- نوری، عسکری و طاهری‌خوشنوو، حشمت‌الله (۱۳۸۳). "بررسی مردم‌شناسی ورزش باستانی زورخانه‌ای"، فصلنامه‌ی فرهنگ و مردم ایران، شماره‌ی ۱۶.
- نیکوبخت، محمد (۱۳۸۰). تربیت بدنی در آیین‌های فرهنگ و ادبیات ایران، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی.
- یزدی، حسن (۱۳۹۰). "فتوت، شجاعت، پهلوانی، قهرمانی و ورزش در ایران عصر صفوی"، مدیریت ورزش، شماره‌ی ۱۰.

Amirtash & A. (2008). "Zoorkhaneh&varzesh-e-bastani", journal of movement sciences & sport, no. 1, pp.59-73.

Chehabi, H. e. (2002). "An Annotated Bibliography of Sports and Games in the Iranian World", Iranian Studies, Vol. 35, No. 4, Sports and Games ,pp. 403-419.

Clark, B. D, & Costello, V. (1973). "The Urban System and Social Patterns in Iranian Cities, the Royal Geographical Society (with the Institute of British Geographers)", Transactions of the Institute of British Geographers, No. 59, pp. 99-128.

Glaser, B. & Stauss, A. L. (1967). The discovery of grounded theory; strategies for qualitative research, New York: aldin.

Nilla, C. C. (Jul., 1973). "The Theater and Ballet Arts of Iran", No. 4, Sports and Games, pp. 403-419.

Pourgiv, F. (2005). "Being modern in Iran by fariba adelkhah", British journal of middle estern, vol. 32.

Ridgeon, L. (2007). "The z rkh na between tradition and change", british institute of persian studies.Iran, vol, pp. 243-265

Rochard, P. (2002). "The Identities of the Iranian Z rkh nah", Iranian Studies, Vol. 35, No. 4, pp. 313-340.

Strauss, A. & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, 2<sup>nd</sup> ed. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Tehrani, M. (1949). "Communication and Revolution in Iran: The Passing of a Paradigm", Middle East Journal. Vol. 3, No. 4 pp. 406-420.